



شهرت شهر بدون گدا در معرض خطر

مغازه داری مشغول فروختن اجناسش است، زن میانسالی در را باز کرده و وارد می‌شود و درخواست کمک مالی می‌کند، هیچکس اهمیتی به او نمی‌دهد و این اتفاق تکرار می‌شود.

مغازه داری مشغول فروختن اجناسش است، زن میانسالی در را باز کرده و وارد می‌شود و درخواست کمک مالی می‌کند، هیچکس اهمیتی به او نمی‌دهد و این اتفاق تکرار می‌شود.

خبرگزاری مهر، گروه استان‌ها: پشت چراغ قرمز ایستاده ام، زنی شیشه اتومبیل را می‌کوبد، شیشه را پایین می‌کشم، درخواست پول می‌کند، اما من اعتقادی به این افراد ندارم و پاسخی نمی‌دهم، سراغ اتومبیل بعدی می‌رود و درخواست پول می‌کند، یک اسکناس ۱۰ هزار تومانی به او می‌دهد، این کار را ادامه می‌دهد و در حدود ۶۰ ثانیه چراغ قرمز، ۶۵ هزار تومان کاسب می‌شود. چراغ سبز شده و رد می‌شوم، او همچنان پشت چراغ ایستاده و تکیه گری می‌کند.

این اتفاق روزانه در نقاط مختلف شهر تبریز رخ می‌دهد، شهری که روزی به به شهر بدون گدا معروف بود، اکنون در پشت چراغ قرمزها، آرامستان‌ها و خیابان‌ها، کودکان کار و متکدی‌ها مشغول درآمدزایی هستند؛ اگر چه تعداد آنها به نسبت دیگر شهرهای کشور کم است، اما در دل شلوغی و جنب و جوش تبریز، جایی که زندگی شهری با سرعتی بی‌وقفه در جریان است، پدیده‌ای نگران‌کننده است.

گدایی به عنوان یک آسیب اجتماعی و هم به عنوان یک جرم شناخته می‌شود که پیامدهای ناخوشایندی دارد که طبق قانون، شناسایی و جمع‌آوری متکدیان از معابر و محلات به شهرداری سپرده شده است که باید با همکاری نیروی انتظامی انجام شود.

این رخداد از جرایمی است که با یک بار انجام دادن اتفاق نمی‌افتد و به اصطلاح آنی نیست، به عبارت دیگر جرم تکیه گری از جمله جرایم استمراری است و با چند بار انجام دادن محقق می‌شود.

اکنون تکیه گری به روشی برای کسب درآمدهای میلیونی تبدیل شده است که شیرینی این درآمد بی‌دغدغه، موجب شده تا تکیه گری به امری سازمان یافته و گروهی بدل شود و افراد با شگردهای مختلفی چون استفاده از عروسک به جای نوزاد، اجاره نوزادان، معلول نمایی، مسافر و غریب نمایی، قصد جریحه دار کردن احساسات شهروندان برای پر کردن کیسه خود را کرده و در این مسیر موفق نیز می‌باشند.

بخش اول: متکدیان سودجو

چند روز پیش دختری را دیدم که حدود ۳۱، ۳۲ سال داشت حدود چهار ماه گذشته هم او را دیده بودم، از من درخواست پول کرده بود، به بهانه این که دانشجوی شهرستان دیگری است و کیف پول او را دزدیده اند و پول برگشت به شهرش را ندارد، من هم فریب خوردم و ۱۰۰ هزار تومان به او دادم، مجدداً او را دیدم و باز هم همان سخنان را گفت، با عصبانیت به او گفتم خجالت نمی‌کشی و با پر رویی تمام گفت به تو ربطی ندارد.

تعداد این افراد کم نیست، افرادی که با سودجویی به دنبال کسب درآمد هستند و حلال و حرامش برایشان فرقی ندارد.

ابراهیم حسینی، یکی از شهروندان تبریز است، او در خصوص متکدیان به خبرنگار مهر می‌گوید: قبلاً متکدی در شهرمان نبود و تبریز را به شهر بدون گدا می‌شناختند، اما این روزها تعداد آنها افزایش یافته است.

او ادامه می‌دهد: یکی از آنها هر هفته به مغازه من می‌آید و من نیز به او کمک می‌کنم، مهم نیت ماست، اینکه واقعاً نیازمندند یا خیر به وجدان خود آنها بستگی دارد.

زهره بایرام زاده، یک شهروند تبریزی نیز به خبرنگار مهر می‌گوید: تا چند سال قبل اگر گدایی را می‌دیدم به او کمک می‌کردم اما این روزها تمامی کمک‌های خود را از طریق سامانه کمیته امداد انجام می‌دهم، واقعیتش به درست بودن آنها اطمینان ندارم و نمی‌دانم واقعاً از سر نداری به این کار روی آورده اند یا واقعاً شغل آنهاست.

بخش دوم؛ افرادی که از سر بیچارگی دست نیاز دراز می کنند

اما در میان برخی از این افراد سودجو، تعدادی نیز واقعا از سر نداری به این کار روی آورده اند؛ برای درک عمیق تر این مسئله، سری به خیابان های شلوغ مرکز شهر می زنم؛ جایی که چهره های پیر و جوان، کودک و بزرگسال، از نیاز و ناچاری سخن می گویند. در میانه مسیری که پیش گرفته ام با زنی لاغر اندام که صورتش را پوشانده و به جز غم و اندوه چیز دیگری از چهره او پیدا نیست، روبه رو می شوم.

برای هم صحبت شدن با او ابتدا اسکناس ۱۰۰ هزار تومانی به او می دهم که چشمانش برق می زند و از شکلاتی که در دست دارم به او تعارف می کنم و در نهایت با تلاش فراوان سر صحبت را با او باز می کنم.

او می گوید: همسرم بر اثر تصادف قطع نخاع شده و دو بچه دبستانی دارم، درآمدی نداریم تا چند ماه قبل در کارخانه ای کار می کردم اما به دلیل تعدیل نیرو اخراج شدم و از سر اجبار به سمت تکدی گری رفتم.

او با اندوه فراوان ادامه می دهد: من این شغل را دوست ندارم و کودکانم از اینکه مادرشان گداست، خجالت می کشند؛ از صبح تا شب با این پول هایی که مردم می دهند، فقط می توانم کمی از مایحتاج زندگی را برای فرزندانم بخرم و از تامین بسیاری از مایحتاج آنها عاجزم.

او خاطرنشان می کند: هیچ کس راضی به گدایی نیست اما من مجبورم؛ گاهی در خانه مردم کار می کنم اما این کار دائمی نیست گاهی هم وقتی صاحب کارها از وضعیتم با خبر می شوند، مرا طرد می کنند.

تبریز به نسبت جمعیت خود همچنان جزو شهرهایی با کمترین گدا است

روح الله رشیدی، عضو شورای شهر تبریز در خصوص وضعیت متکدیان شهر به خبرنگار مهر می گوید: فراز و فرود جمعیت متکدیان، تابع شرایط عمومی کشور و شرایط اختصاصی مناطق است؛ شرایط عمومی همان شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و شرایط منطقه ای هم جابجایی جمعیتی و شرایط فرهنگی و اقتصادی است.

او ادامه می دهد: آمار تا در کوتاه مدت نشان دهنده افزایش متکدیان تبریز نیست و تبریز همچنان با فاصله، جزو شهرهای دارای کمترین متکدیان است و همچنان حساسیت به دلیل سابقه تاریخی و اجتماعی در این شهر وجود دارد.

او خاطرنشان می کند: امسال ۱۴۰ مورد جمع آوری متکدیان را در شهر را توسط شهرداری داشتیم و موسسه حمایت از مستمندان نیز مجوز دارد تا متکدیان را با گشت های خود از سطح شهر جمع آوری کند؛ برخی از این افراد واقعا نیاز به حمایت اجتماعی و مالی دارند که در موسسه تحت پوشش قرار می گیرند و افرادی که شهرداری جمع آوری می کنند، در یک مرکز جمع آوری می شوند.

رشیدی تاکید می کند: ساماندهی متکدیان به این شکل است که قانون یک سری وظایف را اعلام کرده و افرادی که به این کار مرتکب می شوند، در سامانه ثبت و اگر تکرار کنند، تحت تعقیب قضایی قرار می گیرند. اما اینکه برای همه پرونده تشکیل دهیم وجود ندارد و در حال حاضر امکانات نسبی برقرار است، اما تاثیر آن را باید بررسی کنیم.

او یادآور می شود: هیچ گاه تعداد متکدیان تبریز صفر نبوده، اما باتوجه به جمعیت تعداد صفر است و همچنان معتقدم باتوجه به شرایط اقتصادی کشور و عمومی جامعه می توان تبریز را شهر بدون گدا نامید.

به دلیل موقعیت اقتصادی و اجتماعی، این شهر مورد توجه است و تاکنون اقدامات خوبی انجام شده و نباید اجازه دهیم این ویژگی تبریز مخدوش شود.

این عضو شورای شهر تبریز می گوید: زمینه برای تکدی گری باید از بین برود و عدالت شهری محقق شود و هیچ خانواده ای احساس نیاز نکند که این کار را انجام دهد و با افراد کلاهبردار و اخاذ هم برخورد شود تا زنجیره و چرخه کامل شود و جرم انگاری محسوب شود.

او ادامه می دهد: باید برای این افراد محکومیت صادر شود تا ساماندهی انجام شود، اما مجموعه های مدیریت شهری وظیفه دارند، از افرادی که به دلیل فقدان درآمد و نابرابری به این کار روی آورده اند، حمایت کنند.

تکدی گری، چرخه ای از فقر و آسیب های اجتماعی را در شهرها تقویت می کند

زهره رمضانی، جامعه شناس در خصوص پدیده تکدی گری و آسیب های ناشی از آن به خبرنگار مهر می گوید: تکدی گری تأثیرات چشمگیری بر چهره شهرها دارد و اغلب احساسات منفی و نارضایتی را در میان شهروندان ایجاد می کند که مهمترین آن، تضعیف احساس امنیت و آرامش شهری است؛ به طوری که وجود متکدیان در خیابان ها، پارک ها و مناطق شلوغ باعث می شود تا برخی از شهروندان احساس ناامنی و ناراحتی کنند.

او ادامه می دهد: بسیاری از متکدیان به شکل های مختلف به رهگذران نزدیک می شوند و این تعاملات ناخواسته می تواند برای شهروندان حس ناراحتی و حتی تهدید به همراه داشته باشد.

او تأکید می کند: این پدیده علاوه بر آسیب های اجتماعی، چهره بصری شهر را هم بر هم می زند، حضور متکدیان در مراکز شهر، خیابان های اصلی و مکان های گردشگری، منظره ای از فقر و محرومیت را به نمایش می گذارد که با هویت یک شهر مدرن و توسعه یافته در تضاد است.

رمضانی خاطرنشان می کند: تبریز، زمانی به شهر بدون گدا معروف بود اما این روزها در گوشه و کنار شهر می توان کودکان کار و متکدیان را دید که با اسپند دود کردن یا با هر بهانه ای به دنبال کسب درآمد هستند؛ حتی برخی از این افراد درآمد میلیونی هم دارند.

او یادآور می شود: تکدی گری به نوعی چرخه ای از فقر و آسیب های اجتماعی را در شهرها تقویت می کند. بسیاری از متکدیان از حمایت ها و آموزش های لازم برای خروج از این وضعیت محروم اند و به همین دلیل، تداوم حضور آنها در خیابان ها باعث گسترش آسیب های اجتماعی دیگری مانند اعتیاد، خشونت و حتی جرایم خرد می شود.

این جامعه شناس ادامه می دهد: برای مقابله با این پدیده اجتماعی، نیاز به هم افزایی و هم کاری بیشتر میان نهادهای مختلف اجتماعی و شهری وجود دارد. یکی از اقدامات کلیدی در این زمینه، جمع آوری و هدایت متکدیان به مراکز حمایتی است که در آن ها بتوانند خدمات بهداشتی، روان شناسی و حتی شغلی دریافت کنند. در این زمینه، شهرداری تبریز، نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای مرتبط، با همکاری یکدیگر تلاش می کنند تا متکدیان را از خیابان ها جمع آوری کرده و به مراکز ویژه ای برای درمان و حمایت های اجتماعی هدایت کنند.

تکدی گری، تنها نشانه ای از فقر یا سوءاستفاده نیست؛ بلکه چالشی است برای مسئولیت پذیری و آگاهی جامعه. با نگاهی دقیق تر به این پدیده می توانیم بفهمیم که چالش های پیچیده اجتماعی و اقتصادی، به پاسخ هایی ساده نیاز ندارند. تا زمانی که ریشه های تکدی گری از بی توجهی مسئولان تا نبود آگاهی عمومی مورد توجه قرار نگیرد، خیابان های شهر همواره میزبان این چهره های خسته و رنج دیده خواهد بود.